

خطبه امام حسن(ع) پس از شهادت پدر

عموم راویان حدیث و مورخین نوشته‌اند شبی که امیر المؤمنین(ع) به شهادت رسید و حسنین(ع) جنازه پدر را دفن کردند، فردای آن شب امام مجتبی(ع) به مسجد رفت و برای مردم سخنرانی کرد...



عموم راویان حدیث و مورخین نوشته‌اند شبی که امیر المؤمنین(ع) به شهادت رسید و حسنین(ع) جنازه پدر را دفن کردند، فردای آن شب امام مجتبی(ع) به مسجد رفت و برای مردم سخنرانی کرد، و طبق روایت امالی صدوق سخنرانی آن حضرت این گونه بود که پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

#171؛ ایها الناس فی هذه الليلة نزل القرآن، و فی هذه الليلة، رفع عیسی بن مریم، و فی هذه الليلة قتل یوشع بن نون، و فی هذه الليلة مات ابی امیر المؤمنین(ع)، و الله لا یسبق ابی احد کان قبله من الاوصیاء الی الجنة، و لا من یتبعه، و ان کان رسول الله(ص) لیبعثه فی السریة فیقاتل جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره و ما ترک صفراء و لا بیضاء الا سبعمائة درهم فضلت من عطائه کان یجمعها لیشتري بها خادما لاهله(1)؛ (raquo;

ای مردم در این شب قرآن نازل شد، و در این شب عیسی بن مریم را به آسمان بردند، و در این شب یوشع بن نون کشته شد، و در این شب پدرم امیر المؤمنین(ع) از این جهان رحلت کرد، به خدا سوگند هیچ یک از اوصیا بر پدرم در رفتن به بهشت پیشی نجسته، و نه هر کس که پس از اوست، و این گونه بود که رسول خدا(ص) او را در هر ماموریت جنگی که می‌فرستاد جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او می‌جنگیدند و هیچ درهم و دیناری پس از خود به جای نگذارد جز هفتصد درهم که از جیره بیت المال او زیاد و اضافه آمده بود و آن را جمع کرده بود تا خادمی برای خانواده خود خریداری کند.)

و شیخ مفید در ارشاد سخنرانی آن حضرت را این گونه نقل کرده: #171؛ و روی ابو محنف لوط بن یحیی، قال: حدثنی اشعث بن سوار، عن ابی اسحق السبعی و غیره، قالوا: خطب الحسن بن علی(ع) فی صبیحة الليلة التي قبض فیها امیر المؤمنین(ع) فحمد الله و اتنی علیه و صلی علی رسول الله(ص) ثم قال:

لقد قبض فی هذه الليلة رجل لم یسقه الاولون بعمل و لا یدرکه الآخرون بعمل لقد کان یجاهد من رسول الله فیقیه بنفسه، و کان رسول الله(ص) یوجهه برایتة فیکنفه جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله، و لا یرجع حتی یفتح الله علی یدیه. و لقد توفی(ع) فی الليلة التي عرج فیها بعیسی بن مریم، و فیها قبض یوشع بن نون وصی موسی(ع) و ما خلف صفراء و لا بیضاء الا سبعمائة درهم، فضلت عن عطائه اراد ان یتباع بها خادما لاهله. ثم خنقته العبرة فبکی و بکی الناس معه.

ثم قال: انا ابن البشیر انا ابن النذیر، انا ابن الداعی الی الله باذنه، انا ابن السراج المنیر، انا من اهل بیت اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، انا من اهل بیت فرض الله مودتهم فی کتابه فقال تعالی: #171؛ قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی، و من یقترب حسنة نزد له فیها حسنا(2)؛ (raquo؛ فالحسنة مودتنا اهل البیت(3)؛ (raquo؛

(ابو محنف(به سندش) از ابی اسحق سبعی و دیگران روایت کرده که گفتند: امام حسن(ع) در بامداد آن شبی که امیر المؤمنین(ع) در آن شب از دنیا رفت خطبه خواند، و حمد و ثنای خدای را به جای آورد و بر رسول خدا(ص) درود فرستاد، آنگاه فرمود:

به حقیقت در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی نجستند، و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، همانا با رسول خدا(ص) جهاد کرد و با جان خویش از آن حضرت دفاع نمود، و رسول خدا(ص) او را با پرچم خود(به جنگها) فرستاد و(جبرئیل و میکائیل) او را در میان می‌گرفتند، جبرئیل از سمت راستش، و میکائیل از سمت چپ او، و باز نمی‌گشت تا به دست توانای او خداوند(جنگ را) فتح کند.

و در شبی از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن شب به آسمان بالا رفت، و یوشع بن نون وصی حضرت موسی(ع) در آن شب از دنیا رفت، و هیچ درهم و دیناری از خود به جای نگذاشته جز هفتصد درهم که آن هم از بهره‌اش(که بیت المال داشت) زیاد آمده، و می‌خواست با آن پول برای خانواده خود خادمی خریداری کند، (این سخن را فرمود) سپس گریه گلویش را گرفت و گریست، مردم نیز با آن حضرت گریه کردند، آنگاه فرمود:

منم فرزند بشیر(مژده دهنده به بهشت، یعنی رسول خدا(ص) که از نامهای آسمانی او بشیر است) منم فرزند نذیر(ترساننده از جهنم) منم فرزند آن کس که به اذن پروردگار مردم را به سوی او می‌خواند، منم پسر چراغ تابناک(هدایت)، من از خاندانی هستم که خدای تعالی پلیدی را از ایشان دور کرده و به خوبی پاکیزه‌شان فرموده، من از آن خاندانی هستم که خداوند دوستی ایشان را در کتاب خویش(قرآن) فرض و واجب دانسته و فرموده است: #171؛ بگو نپرسم شما را بر آن مزدی جز دوستی در خویشاوندانم و آنکه فراهم کند نیکی را بیفزایمیش در آن نکویی را؛ پس نیکی در این آیه دوستی ما خاندان است.

و نظیر همین دو سخنرانی با مختصر اختلافی در بسیاری از کتابهای اهل سنت نیز نقل شده که هر که خواهد می‌تواند در ملحقات احقاق الحق بخواند. (4)

پی‌نوشتها:

1. امالی صدوق، ص 192.
 2. سوره شوری، آیه 22.
 3. ارشاد مفید، ج 2، (مترجم)، ص 4، و نظیر این روایت از امالی شیخ و تفسیر فرات و غیره نیز نقل شده (بحار الانوار، ج 43، ص 361).
 4. ملحقات احقاق الحق، ج 11، صص 93-182.
- کتاب: زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، ص 192.
مؤلف: سید هاشم رسولی محلاتی